

فراخوان ملی برگزاری رفراندوم -

یک حرکت تحول خواهانه و ساختارشکن

نیلوفر بیضایی

فراخوان ملی رفراندوم نشان از آن دارد که صف بندی های جدیدی که مدت هاست در حال شکل گیری است، صورت نهایی خود را یافته است. امروز در جامعه ایران یک جریان قوی و جدی در حال شکل گرفتن است که برای تغییر ساختار سیاسی، سکولاریسم، دموکراسی و آزادی فردی، اجتماعی و سیاسی مبارزه می کند

فراخوان ملی برگزاری رفراندوم که به کوشش هشت تن از فعالین سیاسی و اجتماعی ایران تدوین شده است، نشانه دهنده ی یک تحول اساسی در روند شکل گیری نیروهای سیاسی ایران است. تحولی که می رود تا به تشکیل یک جبهه ی فراگیر دموکراسی خواهی یاری رساند. لزوم و ضرورت تشکیل جبهه ی فراگیر دموکراسی خواهی و ایجاد یک جنبش ملی برای رفراندوم، نکته ای است که چند سالی است از سوی برخی نیروها، افراد از جمله نگارنده ی این سطور و همچنین **منشور ۸۱** که من با آن همکاری می کنم، مطرح شده است و هر بار از سوی آنها که همچنان به تغییرات در چارچوب قانون اساسی و نظام موجود معتقدند، مورد سرزنش و شماتت قرار گرفته است. همچنین چند مطلب درخشان در مورد رفراندوم از سوی کسانی چون احمد تقوایی از انجمن آینده، دکتر محمد ملکی از فعالین داخل کشور و آقای حسین باقرزاده و دیگران در مورد لزوم به بحث گذاشته شدن چنین طرحی در یکی دو سال گذشته منتشر شده است که در زمان خود کمتر مورد توجه قرار گرفت.

اصل حرف ما این بوده است که برای محو استبداد خانمانسوز دینی از قدرت سیاسی در ایران و برای ایجاد شرایط تشکیل حکومتی مبتنی بر اراده و خواست جمهور مردم ایران، همسویی چند نفر یا چند گروه همفکر کافی نیست، بلکه تنها با همسویی و توافق همه ی جهت های فکری بر سر یکسری اصول اساسی از جمله لزوم تشکیل یک حکومت پارلمانی مدرن و دموکراتیک بر پایه ی اعلامیه جهانی حقوق بشر، لزوم جدایی دین از حکومت، برابری حقوقی تمام ایرانیان با هر باور و اندیشه و تعلق دینی، قومی، نژادی و جنسیتی در برابر قانون، لزوم توسعه ی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که تنها در چارچوبی دموکراتیک ممکن است، ضرورت ایجاد شرایطی مساعد برای رشد نیروی جوان و خلاق کشور، لزوم آزادیهای فردی، اجتماعی و سیاسی که لازمه ی بالیدن و شکوفایی هر کشوری است، تنها اهرمهای ممکن برای حرکت و تحول جامعه ی ایران بسوی تجدد، رشد و پیشرفت است.

در همین راستا می بایست از هر گونه قائل شدن حق انحصاری برای خود و همراهان خویش در باور به نکات بالا اجتناب کرد و پذیرفت که "حقیقت مطلق" تنها از آن ما نیست، بلکه دگرانديشان نیز می توانند بیان کننده ی بخش یا بخشهایی از آن باشند.

می دانیم که در هر دو گرایش اساسی موجود در مورد شکل حکومت از جمهوریخواهان گرفته تا هواداران حکومت پادشاهی، طیفهای گوناگون فکری موجود است و در هر دو گرایش شکلهای شدید افراطی و غیر دموکراتیک وجود دارند که یک سرش به "حزب الله" و "دیکتاتوری پرولتاریا" و سر دیگرش به "شاه الله" می رسد.

جبهه ی فراگیر دموکراسی خواهی اما از نیروهایی تشکیل می شود که از هر گرایشی که باشند به حدی از تعادل و تعامل در ابراز نظرات خود رسیده باشند و اصول دموکراسی

خواهی، ترقیخواهی و آزادیخواهی را پذیرفته باشند. نیروهایی که از عصر کینه ورزی و تعصب و خونخواهی های قبیله ای - عشیرتی گذر کرده باشند و به عصر پذیرش گوناگونیها و تفاوتها و در عین حال برخورد اندیشه و حرکت برای خواسته های خویش پای گذاشته باشند.

من جزو کسانی هستم که آگاهانه با "اصلاح طلبان دو خردادی" همراهی نکردند، چرا که بانیان اصلی آن در قدرت سیاسی را شدیداً دلبسته به حکومت اسلامی و مبانی ایدئولوژیک آن می دیدم. دلایل دیگرم را هم بطور روشن و شفاف در نوشته هایم ذکر کرده ام و در آخرین تحلیل هایم نیز آوردم که شکست حرکت اصلاح از درون حکومت که حرکتی بسیار محدود و حافظ نهایی ساختارهای موجود که ساختاری شدیداً ایدئولوژیک، جزم گرا و یکسویه نگر است، باعث خواهد شد که گرایشهای آزادیخواه آن جنبش از بدنه ی حکومت مستبد دینی کنده شوند و به جنبش دمکراسی خواه و سکولار مردم ایران بپیوندند. همچنین آورده بودم که گرایش قالب اصلاح طلبان حکومتی، همچنان به حکومت دینی وفادار خواهد ماند، چرا که دلبستگی عمیقش به طرح حکومت دینی بسیار قویتر از گوشه چشمی است که احياناً بسوی نوعی تغییرات "شبه دمکراتیک" دارد. اولین نیروهایی که از این بدنه کنده شدند، فعالین جنبش دانشجویی بودند و بعد آنها که عمقاً دچار تحول فکری شده اند و از طرح "مردم سالاری دینی" به سکولاریسم و دمکراسی خواهی رسیدند.

در عین حال در میان نیروهای سکولار، بخشی همچنان به دنباله روی از اصلاح طلبان حکومتی می پردازند و بخشی نیز همچنان بر لزوم شرکت در انتخابات بی اعتبار نظام حاکم و اصل "توازن قوا" تاکید می ورزند و قانون اساسی موجود را سد و مانعی در برابر تحولات ارزیابی نمی کنند و بهمین جهت خواهان تغییرات در چارچوب قانون اساسی موجود هستند.

بخشی امضا کنندگان این فراخوان هر چند خود جزئی از گرایشهای ذکر شده در بالا بوده اند، اینک با این فراخوان و با مطالبی که پیش از انتشار آن در اینجا و آنجا نوشتند، بصراحت بیان کردند که اصلاحات در ساختار فعلی ممکن نیست و خواهان تغییر ساختار سیاسی و جدایی دین از حکومت شده اند.

فراخوان ملی فراندوم نشان از آن دارد که صف بندیهای جدیدی که مدتهاست در حال شکل گیری است، صورت نهایی خود را یافته است. امروز در جامعه ی ایران یک جریان قوی و جدی در حال شکل گرفتن است که برای تغییر ساختار سیاسی، سکولاریسم، دمکراسی و آزادی فردی، اجتماعی و سیاسی مبارزه می کند و هر جریانی که در مقابل این حرکت که خواست ساختار شکنانه و تغییر نظام سیاسی را طرح می کند، قرار بگیرد، خواه نا خواه در تقابل با این خواستها قرار خواهد گرفت.

همه می دانیم که حکومت اسلامی به چنین فراندومی تن نخواهد داد، این فراخوان و جمعیت روز افزون حامیان آن خواهد توانست جامعه ی سیاسی ایران را از این حالت یاس و سرخوردگی و سر درگمی بدر آورد و حرکتی جدید بنا نهد. حرکتی که اینبار در جهت تحقق خواسته های واقعی مردم ایران قدم بر می دارد و این خواسته ها را بسیار شفاف مطرح می سازد. این حرکت حرکتی ساختار شکنانه، کثرت گرا و فرافکیدی است و مبنای آن اعلامیه جهانی حقوق بشر و تمام میثاق های الحاقی آن است. این حرکت رو بسوی فعال کردن جنبش فراندوم دارد. تدوین قانون اساسی نوین در مجلس موسسانی که در فراندومی زیر نظر سازمان ملل متحد انجام پذیرد، از محدوده ی "تغییر در قانون اساسی موجود" بسیار فراتر رفته و از طریق قانون اساسی نوین به یک ساختار سیاسی

مدرن ، دمکراتیک و نوین پایبند است. این حرکت، ندای صریح و روشن دوران گذار از حکومت تام‌گرای دینی بسوی یک حکومت دمکراتیک و پارلمانی است.

این حرکت تاییدی است بر این امر که محتوای دمکراتیک نظام آینده‌ی ایران ، حقوق بشر و جدایی دین از حکومت ، فصل مشترک تمامی نیروهایی است که برای ایرانی آزاد و دمکراتیک حرکت می‌کنند.

بر همگان روشن است که میان طیفهای امضاکننده اختلاف نظرهای جدی وجود دارد، اما همینکه همگی حاضر شده‌اند در کنار یکدیگر و با ارجح شمردن منافع ملی به این فراخوان پاسخ مثبت بدهند، مهمترین گام در راه تحول اساسی ساختار استبدادی بسوی ساختاری دمکراتیک است.

این حرکت را به فال نیک بگیریم، هر چند که خطرات فراوانند و امکان به انحراف کشانده شدن آن بطور بالقوه وجود دارد. تلاش کنیم تا بدور از “ذوق زدگی” های تاریخی (انقلاب 57 و دو خرداد) و با حفظ نگاه انتقادی خود ، با یادآوری نقاط ضعف و تقویت ی